

## Weak-Minded Responsibility in Iranian Criminal Law and Egyptian Law

*Abolhasan Shakeri<sup>1</sup>, Sajad Solaimani<sup>2</sup>*

### Abstract

In Iran's criminal law, humans are not only divided into wise or insane they are also persons who, on the one hand, do not fall under Article 149 of the Islamic Penal Code in the definition of insane persons and on the other hand, they are not wise, the rational age of these people is lower than their child's physical age that Affected by mental disorder and mental retardation. Article 91 of the Islamic Penal Code takes into account the many implications of this disorder, namely the lack of understanding of the dignity or the nature of criminal conduct and the existence of doubt in the development and perfection of the mind Which is called fool (weak-minded) in jurisprudence due to lack of intellect. These people are known as people with mental illness, including mental retardation, delirium, and dementia. According to Article 140 of the Act, which expresses the condition of criminal responsibility should not regard fool (weak-minded) accusation as having a criminal responsibility if any crime is committed. Because the penalty is based on criminal responsibility consequently, the condemnation of a perpetrator of a crime *hodud* or *qesas* is forbidden and even it should be said that the punishment mentioned in Article 89 of this law is also contemplative. Therefore, in accordance with law, they will be sentenced in the case of committing the above-mentioned offenses or *taazir* to Hedging and education activities. In the Egyptian law, dementia, inside, in the meaning of Disorders of the scorpion, has a madness sentence that is criticized.

---

1. Professor of Criminal Law and Criminology, Department of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (Corresponding author) Email: Shakeri\_criminallaw@yahoo.com

2. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Department of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

**Keywords**

Criminal Responsibility, Fool (Weak-Minded) Perception, Iranian Law, Egyptian Law

Please cite this article as: Shakeri A, Solaimani S. Weak-Minded Responsibility in Iranian Criminal Law and Egyptian Law. Iran J Med Law 2020; 13(51): 131-154.

## مسئولیت معتوه در حقوق کیفری ایران با نگاهی به حقوق مصر

ابوالحسن شاکری<sup>۱</sup>

سجاد سلیمانی<sup>۲</sup>

### چکیده

در حقوق کیفری ایران انسان‌ها فقط به عاقل یا مجنون تقسیم نمی‌شوند، بلکه اشخاصی هم هستند که از یک طرف در تعریف مجنون موضوع ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی قرار نمی‌گیرند و از طرف دیگر متعارفاً عاقل هم نیستند، سن عقلی این افراد کم‌تر از سن جسمی آن‌ها در حد اطفال متأثر از نقصان عقل می‌باشد که در فقه معتوه نام دارند. ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی به مفاهیم متعدد نقصان عقل، یعنی نداشتن درک حرمت یا ماهیت رفتار مجرمانه و وجود شبهه در رشد و کمال عقل توجه کرد، این افراد در عرف تحت عنوان مبتلابان به انواع بیماری‌های روانی عقب‌ماندگی ذهنی، دلیریوم (روان آشفستگی) و دمانس (زوال عقل) شناخته می‌شوند. با توجه به ماده ۱۴۰ قانون مزبور که شرط مسئولیت کیفری را عقل بیان داشته، معتوه را که ناقص‌العقل است، نباید در صورت ارتکاب هر جرمی واجد مسئولیت کیفری دانست، از آنجا که مجازات فرع بر مسئولیت کیفری است، محکوم کردن معتوه مرتکب جرم موجب حد یا قصاص به این مجازات‌ها فاقد توجیه و حتی باید گفت محکومیت به مجازات مذکور در ماده ۸۹ قانون فوق‌الذکر هم محل تامل است، شایسته است آن‌ها در صورت ارتکاب جرائم موجب حد، قصاص یا تعزیر به اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم شوند. در حقوق مصر عتوه داخل در معنی عاهات عقلی حکم جنون را دارد که مورد انتقاد است.

### واژگان کلیدی

مسئولیت کیفری، معتوه، درک، عقل، مجازات

۱. دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Shakeri\_criminallaw@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

## مقدمه

در حقوق جزا حکم به مجازات منوط به وقوع جرم و تحقق شرایط مسؤولیت کیفری است. مسؤولیت کیفری در قانون مستند به ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جرائم موجب حد یا قصاص و تعزیر، مشروط به این است که شخص حین ارتکاب جرم بالغ، مختار و عاقل باشد. بر این اساس انسان‌ها به عاقل و غیر عاقل تقسیم می‌شوند. جنون در مقابل عقل است، ولی این گونه نیست که انسان‌ها یا عاقل باشند یا مجنون، بلکه می‌توان در واقعیت یا حتی مطابق با قانون اشخاصی را یافت که نه عرفاً یا منطقیاً عاقل محسوب شوند و نه عرفاً یا طبق قانون داخل در تعریف مجنون باشند، در واقع کسانی هستند که در فاصله بین این دو (عاقل و مجنون) قرار می‌گیرند، در ادبیات فقهی به این افراد مَعْتُوَه گفته می‌شود (۴-۱). معتوه اسم مفعول‌عته یک عارضه روانی است که در لغتنامه‌های فارسی و عربی به معنی نقصان عقل، کم‌خردی و ضعف در عقل است (۸-۵). در مباحث فقهی‌عته همچون جنون قابل توجه و دارای احکام خاص خود است، چراکه این افراد نه آن اندازه عاقل هستند که بتوانند متحمل مسؤولیت کیفری و مجازات شوند و نه مجنون هستند که فاقد مسؤولیت کیفری باشند، لذا لازم است برای این افراد در مجموعه مقررات کیفری یک نوع رژیم مسؤولیت بینابینی را پیش‌بینی کرد تا با ضمانت اجرای حقوق کیفری متناسب بتوان با اصلاح آن‌ها جامعه را تا حد امکان مصون از آثار سوء رفتار این نوع مرتکبین جرم قرار داد.

در قوانین ایران بصراحت از کلمه معتوه استفاده نشده است، هرچند می‌توان گفت که قانونگذار به مفهوم آن توجه داشت، اما صریحاً حکم خاصی برای آن در نظر نگرفته بود. در اولین قانون مجازات ایران، یعنی قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ در خصوص اختلالات دماغی مانع از مجازات در ماده ۴۰ این قانون و در کنار کلمه مجنون چنین قید کرده بود: «هر کس در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد، مجرم محسوب نمی‌شود و مجازات نخواهد داشت، ولی در صورت بقای جنون باید به دارالمجانین تسلیم شود.» در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ به جای اختلال دماغی عبارت «اختلال نسبی شعور یا قوه تمییز» مورد توجه قانونگذار قرار گرفت، در بند «پ» ماده ۳۶ این قانون چنین مقرر شد: «هرگاه مرتکب در حال ارتکاب به اختلال نسبی شعور یا قوه تمییز دچار باشد، به حدی که در ارتکاب جرم مؤثر واقع گردد، مجازات به ترتیب زیر معین می‌گردد: ۱- در مورد جنایات مجازات

مرتکب حسب مورد یک یا دو درجه تخفیف داده می‌شود، بدون این‌که از حداقل حبس جنحه‌ای کم‌تر شود؛ ۲- در مورد جنحه مجازات مرتکب حداقل حبس جنحه‌ای است و یا به جزای نقدی تبدیل خواهد شد.» مفاد این ماده می‌توانست متضمن مفهوم عتبه به معنای نقصان عقل هم باشد. پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در سال ۱۳۶۱ که با نسخ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ قانون راجع به مجازات اسلامی و سپس در سال ۱۳۷۰ قانون مجازات اسلامی به تصویب رسیدند، عبارت اختلال روانی نسبی از این دو قانون حذف شد؛ در ماده ۲۷ از قانون راجع به مجازات اسلامی و ماده ۵۱ از قانون مجازات اسلامی چنین مقرر گردید جنون به هر درجه که باشد، موجب عدم مسؤولیت کیفری است. در این معنی جنون مقابل عقل است، لذا می‌توان آن را شامل عتبه به عنوان درجات خفیف‌تر جنون هم دانست، این مقررات در عمل مبهم و مورد نقد بود، چراکه هیچ ضابطه‌ای برای تشخیص جنون و درجه‌بندی آنکه مفهوم عتبه هم می‌توانست داخل آن باشد، به دست نمی‌داد. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در ماده ۱۴۹ به تعریف مجنون پرداخت که غیر از معتوه است، این ماده بیان می‌دارد: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده، به نحوی که فاقد اراده و قوه تمیز باشد، مجنون محسوب شده و مسؤولیت کیفری ندارد.» از آنجا که معتوه ناظر به وضعیت ذهنی انسان در مرحله‌ای بالاتر از جنون تا عقل قرار دارد، قانونگذار در مواد ۱۸ و ۹۱ قانون مجازات اسلامی به آن توجه کرد تا این افراد شناسایی و مسؤولیتشان در حقوق کیفری مبتنی بر وضعیت ذهنی آن‌ها باشد.

در اولین قانون عقوبات مصر مصوب ۱۸۸۳ به معتوه اشاره نشده بود، منطقی‌اً چون معتوه عاقل نبود داخل در مفهوم مجنون مذکور در ماده ۶۲ این قانون و فاقد مسؤولیت کیفری بود (۹)؛ با نسخ این قانون در سال ۱۹۰۴ قانون عقوبات مصر مصوب ۱۹۳۷ جایگزین شد که در سال ۲۰۰۳ اصلاح گردید و هم‌اکنون نیز حاکم است نیز هیچ اشاره‌ای به کلمات معتوه یا عتبه نشده، ولی به جای آن همراه با جنون از مفهوم کلی‌تری به نام عاهات عقلی نام برده شده است که در این دو قانون به ترتیب در مواد ۵۷ و ۶۲ آمده است.

هر دو قوانین ایران و مصر بدون اشاره صریح به معتوه راجع به مفهوم آن، یعنی نقصان عقل مقرراتی دارند، ولی تحقیقاً همه نکات آن مورد توجه قانونگذاران دو کشور واقع نشده است. مهم‌ترین سؤال‌هایی که محور طرح مباحث مربوطه قرار دارد، برون‌رفت از چالش‌های ناشی از

ارتکاب جرم و مسؤولیت این افراد در حقوق کیفری هر دو کشور که ملهم از فقه اسلامی هستند، از منظر حقوق تطبیقی قابل توجه است. این که سنجش و ملاک معنوه در در حقوق ایران و مصر چیست؟ آیا مسؤولیت کیفری معنوه که بالاتر از هجده سال دارد، در صورت ارتکاب جرائم موجب حد یا قصاص همانند معنوه بالغ زیر ۱۸ سال است؟ در این پژوهش با لحاظ مستندات فقهی و حقوقی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای با روش توصیفی - تحلیلی ابتدا به شناسایی معنوه پرداخته شده و سپس مسؤولیت معنوه در صورت ارتکاب هر یک از جرائم موجب حد و قصاص و دیه و تعزیر مورد بررسی قرار گرفته است.

### شناسایی معنوه

برای شناسایی معنوه هم می‌توان به ضوابط خاصی توجه کرد و هم در عمل به افراد خاصی اشاره کرد که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۱- ضوابط نظری شناسایی معنوه

روان انسان دارای حالات مختلفی است، نامتعادل‌ترین حالت آن جنون در معنی نداشتن قوه تمییز یا اراده ناشی از اختلال روانی است که در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی آمده است، به نظر در نگاه اول جنون در مقابل عقل است، ولی این‌گونه نیست که اگر انسان‌ها مجنون نباشند، حتماً عاقل هستند، زیرا مطابق با ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی اشخاصی هم هستند که ممکن است حرمت یا رفتار مجرمانه را درک نکنند یا در رشد و کمال عقل آن‌ها شبهه وجود داشته باشد؛ این ماده بیان می‌دارد: «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کم‌تر از هجده سال ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آن‌ها به مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در این فصل (فصل دهم) محکوم می‌شوند.» در ابتدا این‌گونه به نظر می‌رسد مفاد این ماده ناظر بر فرایند رشد انسان است که در برهه‌ای از زمان در فاصله سنین ۱۵ تا ۱۸ سالگی ممکن است انسان‌ها دچار این عوارض شوند که ناشی از نقصان عقل است، ولی مانع از این برداشت هم نیست که اشخاصی با سنین بالاتر نیز به سبب ضعف در قوه درک و تمییز توانایی درک ماهیت و حرمت عمل مجرمانه را نداشته یا در کمال عقل آن‌ها شبهه باشد و در نتیجه مشمول مفاد این ماده قرار گیرند. به عبارت دیگر خصوصیتی که در این ماده ذکر شده،

تخصماً ناظر به افرادی است که ناقص‌العقل هستند، اعم از این‌که در گذر و فرایند رشد باشند یا این‌که اساساً این حالات در آن‌ها بعد از ۱۸ سالگی برای موقت یا همیشه مستقر گردد، به طوری که عرفاً ناقص‌العقل (معتوه) محسوب گردند. ممکن است عته به سبب نقص وراثتی در رشد قوای ادراکی در حین تولد و یا تحت تأثیر محیط پدید آید (۱۲-۱۰). صرف نظر از این‌که سبب عته مادرزادی یا این‌که عارضی باشد، فقهای اسلامی با تفکیک بین حالات مختلف روانی انسان، اصطلاحاً معتوه را فرد ناقص‌العقلی می‌دانند که کلامش مختلط و نامرتب است و تدبیرش وی در اداره امور فاسد است، به طوری که گاهی شبیه عقلا و گاهی شبیه مجانین رفتار می‌کند (۱۵-۱۳)، این تعبیر می‌تواند بیان دیگری از همان مفاهیم مذکور در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی باشد.

با لحاظ تعریف مجنون مذکور در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی واضح است که معتوه برخلاف مجنون کاملاً فاقد قوه تمییز یا اراده نیست، بلکه برعکس حداقل باید قائل بر این بود وی تا حدودی از اراده و قوه تمییز برخوردار است، ولی نه آن اندازه که حرمت یا رفتار مجرمانه را درک کند یا شبهه‌ای در رشد و کمال عقل وی نباشد که ملاک و سنجه معتوه است. رشد و کمال عقل بدین معناست که فرد بتواند در مورد پدیده‌های مختلفی که پیرامون وی به صورت عینی رخ می‌دهد و یا وجود دارد یا در مورد موضوعاتی که در عالم واقع نمود و تجسم خارجی ندارند، ولی ساخته و پرداخته ذهن است تمییز و تدبیر کند و نسبت به آن‌ها تصور و تصدیق داشته باشد و با منطق عرفی آن‌ها را تأیید و یا رد نماید. از این حیث آن‌ها ممکن است در درجات متفاوتی از رشد و کمال عقل قرار گیرند که با ملاکات عرفی و تخصصی اگر بتوان شبهه در رشد و کمال عقل کسی داشت، بدون این‌که بتوان وی را کاملاً فاقد عقل دانست معتوه خواهد بود، حتی این افراد ممکن است متوجه رفتار سوء خود نشوند و از درک ماهیت و آثار آن و این‌که عمل آن‌ها تا چه میزان قبیح یا حسن است ناتوان باشند، به همین خاطر در نظر برخی حقوقدانان مصری بعضاً معتوه اعمال خطرناکی را انجام دهد بدون این‌که کاملاً به خطر آن‌ها آگاه باشد (۱۶). از طرفی چون معتوه عاقل فرض نمی‌شود، طبق قانون هر دو کشور ایران و مصر نباید مسؤولیت کیفری داشته باشد، چراکه از شروط داشتن مسؤولیت کیفری به استناد ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی ایران عاقل بودن است و ماده ۶۲ قانون عقوبات مصر نیز با عبارت «لا عقاب علی من یكون فاقد الشعور أو

الختیار فی عمله وقت ارتکاب الفعل إما الجنون أو عاهة فی العقل» به این موضوع اشاره دارد. از این رو به استناد ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی اگر این افراد مرتکب جرم موجب حد یا قصاص شوند، به مجازات حد یا قصاص محکوم نخواهند شد و صرفاً به مجازات این فصل، یعنی ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند که دلالت بر به رسمیت شناخته شدن مفهوم مسؤولیت کیفری نقصان یافته در قانون ایران دارد.

در قانون عقوبات مصر به «عاهات عقلی» تصریح شده است، منظور از عاهات عقلی کلیه بیماری‌های روانی از جمله عته است که قوه تمییز و آزادی اراده به طور نسبی از بین می‌رود (۱۷)، در ماده ۶۲ این قانون حکم واحد نفی مسؤولیت کیفری برای مبتلایان به جنون و عاهات عقلی در نظر گرفته است، چراکه قانونگذار مصر تحت تأثیر ماده ۶۴ قانون مجازات فرانسه مصوب ۱۸۱۰ بوده است که مقرر کرده بود: زمانی که متهم در حین ارتکاب جرم مجنون یا تحت تأثیر نیروی باشد که قدرت مقاومت در برابر آن را ندارد جرم و مجرمی وجود ندارد. در مقابل برخی از حقوقدانان مصر بر این نظرند که باید با این افراد در صورت ارتکاب جرم همانند یک صغیر ممیز برخورد کرد، چراکه نقصان و عدم کمال عقلی آن‌ها همچون صغار است (۱۸)، این نظر متأثر از حکم ماده ۴۵ قانون مدنی مصر است که قانونگذار در این قانون در امور مدنی به صراحت برای معتوه حکم صغیر را در نظر گرفته است. بر این اساس بوده است که دیوان عالی کشور مصر صراحتاً به حالت روانی عته توجه و آن را این‌گونه تعریف کرد: هرگونه بیماری که بر عقل انسان عارض شود و آن را معیوب نماید و از کمال عقل بکاهد (۱۹)؛ این تعریف با مفاهیم مذکور در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ایران قابل برابری است، البته حکم این افراد از حیث ضمانت اجرای ارتکاب جرم در حقوق کشورهای ایران و مصر متفاوت از یکدیگر است.

## ۲- موارد عارضه ابتلا به عته

اصطلاح عته در علوم پزشکی و روان‌شناسی و ادبیات حقوقی ایران چندان شناخته شده نیست و تعیین مصادیق آن با مناقشه همراه است (۲۰). با تدقیق در انواع اختلال‌های روانی و خصوصیات آن‌ها در کتب روان‌شناسی و روان‌پزشکی ذکر شده، در انطباق با معتوه می‌توان به برخی از انواع بیماری‌های روانی اشاره کرد که از جمله آن‌ها عقب‌ماندگی ذهنی



(Mental Retardation)، روان‌آشفتگی یا دلیریوم (Delirium) و دمانس (Dementia) یا زوال عقل است.

۱-۲- عقب‌ماندگی ذهنی: از انسان‌ها در مراحل سنی مختلف عرفاً انتظار رفتارهای تعریف‌شده‌ای است که تا حدود زیادی متأثر از بهره هوشی و کارکردهای انطباقی آن‌ها است. ممکن است سن عقلی افراد نسبت به سن شناسنامه‌ای آن‌ها به سبب توقف یا کاهش رشد عقلی پایین‌تر باشد، مثلاً سن عقلی فردی چهل ساله در حد یک کودک ۷ ساله باشد، این حالت بارز عته است که برخی نیز به آن «بله» گفته‌اند (۲۱) که منظور از آن همان عقب‌ماندگی ذهنی است. مستند به کتاب راهنمای تشخیصی و اماری اختلالات روانی، اشخاصی که از عملکرد هوشی پایین‌تر از میانگین و در مهارت‌های انطباقی محدودیت داشته باشند، عقب‌مانده ذهنی محسوب می‌شوند. این تقسیم‌بندی بر اساس میزان بهره هوشی یا IQ می‌باشد که میزان آن برای افراد معمولی ۱۰۰ است (۲۲). این‌که همه عقب‌ماندگان ذهنی معتوه تلقی گردند، جای بحث است، در علم روان‌شناسی عقب‌ماندگان ذهنی به ۴ دسته خفیف (Mild Retardation)، متوسط (Moderate)، شدید (Severe) و عمیق (Profound) تقسیم می‌شوند (۲۳)، در این خصوص نمی‌توان همه آن‌ها را در صورت ارتکاب جرم تحت یک ضمانت اجرا حقوق کیفری قرار داد. عقب‌ماندگان ذهنی سبک یا خفیف اطلاعات عمومی، فهم و استدلال پایین‌تر از سن خود دارند، ولی چون توانایی آن‌ها را دارند که با پشتیبانی‌های مناسب، زندگی موفق‌تری داشته باشند و وضع ظاهر و رفتار و سخن گفتن این دسته از عقب‌ماندگان نزدیک به افراد عادی است و می‌توانند حرفه‌های ماهر و غیر ماهر را در حد خودکفایی بیاموزند و به ماهیت رفتارهای خود آگاهی دارند و حرمت آن‌ها را تا حدود قابل توجهی درک می‌کنند، نباید این دسته از عقب‌ماندگان ذهنی را معتوه در نظر گرفت.

دسته‌ای دیگر که از عقب‌ماندگان خفیف، حادث‌تر می‌باشند، عقب‌ماندگان متوسط هستند، این گروه معمولاً نمی‌توانند کلاس‌های آموزشی دوران ابتدایی را همچون سایرین به اتمام برسانند، هرچند برخی از مهارت‌های معمولی شغلی را می‌توانند در دوران بزرگسالی فرا گیرند، ولی باید همواره تحت مراقبت قرار گیرند (۲۴). این دسته از عقب‌ماندگان چون مستقل از دیگران نمی‌توانند به حسن و قبح و حرمت رفتار خود و ماهیت آن پی ببرند که حکایت از به کمال‌نرسیدن رشد عقلی آن‌ها دارد و درک آن‌ها در حد اطفال ممیز است، معتوه می‌باشند.

دسته دیگر که عقب‌ماندگی شدید دارند، می‌توانند به برخی از دستورالعمل‌های بهداشتی و رفتاری عمل کنند و به طور نسبی در محیط‌های کنترل‌شده همچون مدرسه مهارت‌های حفاظت از خود را در سطح پایین آموزش بگیرند، ولی از رشد حرکتی و عقلی ضعیفی برخوردارند و حداقل مهارت‌های برقراری ارتباط را دارند (۲۵)، این دسته از افراد چون در شناخت حرمت‌ها و ماهیت رفتارها توانایی درک و تشخیصی همچون کودکان ممیز دارند، باید آن‌ها را داخل در افراد معتوه قرار داد. عقب‌ماندگی عمیق ذهنی آخرین درجه این دسته‌بندی است، این افراد برای عملکرد در زمینه‌های حسی، حرکتی نیازمند حمایت و سرپرستی مستمر هستند. انسان‌هایی که عقب‌ماندگی ذهنی در این حد هستند، معمولاً به آموزش‌های تربیتی و علمی واکنش خاصی نشان نمی‌دهند (۲۶)، با توجه به این‌که در واقع سن عقلی آن‌ها در حد اطفال غیر ممیز می‌باشد، نمی‌توان آن‌ها را از منظر حقوق کیفری در ارتکاب هیچ جرمی ولو به صورت نسبی واجد مسؤولیت دانست و چون این دسته از عقب‌ماندگان ذهنی همچون صغیر غیر ممیز فاقد قوه تمییز و اراده هستند، داخل در ضابطه ارائه‌شده در ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی، یعنی مجنون قرار می‌گیرند که احکامی غیر از معتوه دارند.

**۲-۲- زوال عقل:** انسان‌ها متمایز از دیگر حیوانات با ظرفیت رشد و کمال عقل متولد می‌شوند، بر این اساس معمولاً در طول عمر و ممارست‌های ذهنی عقل آن‌ها رشد و عرفاً به کمال می‌رسد، ولی این‌گونه نیست که عقل انسان به کمال برسد یا در وضعیت کمال عقل باقی بماند، بلکه ممکن است عقل بعد از رسیدن به کمال عرفی به یک‌باره یا به تدریج تا حد قوه تمییز و درک یک طفل تنزل یابد یا زائل گردد. تنزل و زوال عقل ناشی از تخریب پیش‌رونده کارکردهای شناختی است، کارکردهای شناختی که ممکن است در زوال عقل آسیب ببینند، شامل یادگیری، حافظه، ادراک، جهت‌یابی و قضاوت و سایر توانایی‌های اجتماعی فرد می‌باشند (۲۷). شایع‌ترین نوع زوال عقل یا دمانس سالخوردگی یا آلزایمر است که پیش‌رونده، ولی معمولاً با کندی است، در این حالت فرد به سختی می‌تواند آموزش‌های جدید را فرا گیرد و آموخته‌های قبلی او به مرور در محاق فراموشی قرار می‌گیرند (۲۸). از آنجا که این وضعیت ذهنی شخص تا حدودی قدرت درک وی را مختل می‌سازد و شناخت وی را از محیط پیرامون کاهش می‌دهد، بدون این‌که به طور کامل قدرت تمییز یا اراده‌اش را از کار بیندازد، می‌تواند به عنوان معتوه در نظر گرفته شود که در صورت ارتکاب جرم باید آن‌ها را مشمول واکنش کیفری

تخفیف‌یافته‌ای دانست، بدیهی است در صورتی که تخریب قوای شناختی به گونه‌ای باشد که قدرت تمییز وی به کلی مختل گردد شخص مجنون محسوب و به حکم دادگاه فاقد مسؤولیت است.

**۳-۲- روان‌آشفته‌گی:** روان‌آشفته‌گی یا دلیریوم در علم روان‌پزشکی به معنای اختلال عملکرد عمومی مغز همراه با اختلال در هوشیاری، توجه، تفکر، ادراک، حافظه، هیجان و چرخه خواب و بیداری است (۲۹) که می‌توان از آن به گیجی و منگی یا روان پریشی یاد کرد. علامت اصلی دلیریوم آشفته‌گی هوشیاری همراه با تغییر در شناخت است، آگاهی این افراد نسبت به زمان و مکان مختل می‌شود، مثلاً در حالی که در خانه هستند، خیال می‌کنند که در خیابان یا بیمارستان هستند (۳۰). گاهی حتی در حالت حاد هویت خود را نیز فراموش می‌کنند؛ در مواردی ممکن است با سوء‌تعبیر رویدادهایی را اشتباه و به جای رویدادهای دیگر بپندارند، مثلاً صدای بسته‌شدن در را صدای شلیک تیر در نظر می‌گیرند. در برخی اوقات ترس، توهم و هذیان آنان را به واکنش‌های غیر ارادی وامی‌دارد؛ این اختلال روانی و نقیصه عقلی در هر سنی ممکن است بروز کند و تفاوت بارز آن با زوال عقل در این است که برخلاف زوال عقل در گیجی و منگی یا دلیریوم امکان بهبودی و بازگشت وجود دارد (۳۱)، این نقیصه عقلی که متأثر از اختلال در قوای درک و تمییز فرد است و موقتی یا حتی ممکن است دائمی باشد که هنوز دقیقاً منشأ ژنتیکی یا عارضی بودن آن مشخص نشده است، وی را به کلی فاقد درک و تمییز نمی‌گرداند. از این رو از موارد عته است، در غیر این صورت، یعنی اگر همین فرد کاملاً قوه درک و تمییزش را از دست بدهد، از منظر حقوق کیفری مجنون محسوب می‌گردد که منصرف از بحث حاضر است.

باید توجه داشت که تأثیر داوری عرف در تعیین موارد عته مهم است، در گذشته که تعریف علمی از این نوع بیماری روانی وجود نداشت عرف نقش تعیین‌کننده‌ای در تشخیص عارضه روانی عته یا نقصان عقل داشت و بر همین اساس حدود مسولیت معتوه تبیین می‌گردید، هم‌اکنون نیز باید متأثر از عرف عام و خاص، یعنی کارشناسی در شناسایی معتوه برآمد، چراکه عرف بین عقل سلیم و عقل ناقص و فاقد عقل تفاوت می‌گذارد، لذا ممکن است طیف مختلفی از بیماری‌های روانی آنچنان خصیصه‌ای را داشته باشند که عقلای جامعه افراد مبتلا به عوارض روانی را ناقص‌العقل بنامند. از این رو برخی از فقها نیز در خصوص شناسایی معتوه موضوع را به

نظر قاضی و عرف واگذار کرده‌اند (۴). تبصره ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی برای شناسایی این افراد به استفاده از کارشناسان خبره یا متخصص توصیه کرده است که در دادرسی باید مورد توجه باشد، و الا از موجبات نقص رسیدگی است.

### مسئولیت معتوه در جرائم موجب قصاص و حد

در حقوق ایران با استناد به ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی مجازات‌ها چهار قسم و تابع رفتار مجرمانه مذکور در قانون است، از جمله این مجازات‌ها حدود و قصاص هستند. مستفاد از مواد ۱۵ و ۱۶ قانون مجازات اسلامی حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت آن در شریعت شیعه امامیه تعیین شده و قصاص مجازات اصلی جنایت عمدی بر نفس، اعضا و منافع است که از حیث نتیجه جنایت مماثلت با آن دارد. با توجه به این که طبق ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی عاقل بودن از شرایط داشتن مسئولیت کیفری در ارتکاب جرائم حد و قصاص است و به تعبیر برخی از فقها کمال عقل یکی از شروط اثبات قصاص است (۳۳-۳۲)، لذا فردی که ناقص‌العقل باشد، مرتکب جرم موجب قصاص و یا حد گردد، قابل قصاص و یا اجرای حد نیست. تصریح بند «ب» و «پ» ماده ۲۹۰ از قانون مجازات اسلامی به «آگاه و متوجه» بودن متهم حین ارتکاب جنایت و صراحت ماده ۱۴۴ این قانون بر احراز قصد نتیجه در جرائم عمدی نیز به طور ضمنی بر عقل تأکید دارد، انسان عاقل است که می‌تواند آگاه و متوجه به رفتار مجرمانه خود باشد و نتیجه رفتار خود را قصد کند، و الا با نبودن آگاهی، توجه و قصد که از لوازم عقل هستند این نوع جرم واقع نمی‌شد و مجازات آن سالب به انتفای موضوع است. در حقوق مصر اگر معتوه مرتکب جرائمی شود که در ایران موجب قصاص یا حد باشد، فاقد مسئولیت کیفری است، زیرا که معتوه مستند به ماده ۴۵ قانون مدنی مصر در امور مدنی همانند صغیر غیر ممیز است و در صورت ارتکاب جرم حکم مجنون را دارد (۱۹)، در حالی که در ایران مسئولیت و مجازات معتوه در صورت ارتکاب جرم حسب نوع جرم و سن وی می‌تواند متفاوت باشد.

جرائم مشمول حد یا قصاص ممکن است توسط معتوه که نوجوان یا بزرگسال است، ارتکاب یابد و در هر صورت باید تصمیم قضایی متناسب اتخاذ گردد. در خصوص اطفال بحث ناقص‌العقل یا عته منتفی است، زیرا فرض بر این است که هنوز آن‌ها به کمال عقل نرسیده‌اند، به

عبارتی دختر زیر ۹ سال و پسر زیر ۱۵ سال تمام قمری که نابالغ هستند، نه از آن جهت که به کمال عقل نرسیدند، بلکه ابتدائاً از آن جهت که طفل هستند فاقد مسؤولیت کیفری می‌باشند، لذا آن‌ها در صورت ارتکاب جرم مشمول اقدامات تأمینی و تربیتی می‌گردند که در تبصره دو ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی آمده است، این تبصره بیان می‌کند: هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد، در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد، به یکی از اقدامات مقرر در بندهای «ت» و «ث» محکوم می‌شود، در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای «الف» تا «پ» در مورد آن‌ها اتخاذ می‌گردد. انسانی که به سن بلوغ می‌رسد در صورت ارتکاب جرائم موجب حد یا قصاص یا تعزیر به شرط داشتن عقل و اختیار مسؤولیت کیفری خواهد داشت؛ تا زمانی که مرتکب جرم نابالغ است، راجع به عقل وی بحثی مطرح نمی‌شود، به بیان دیگر بحث عقل مرتکب جرم متعاقب رسیدن به بلوغ مطرح است. از آنجا که عته آن حالت روانی است که عقل انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لذا بعد از بلوغ است که این بحث مطرح می‌گردد که اگر معتوه گردد با او چه برخوردی می‌شود. در خصوص اشخاص بالغ بین ۱۵ تا ۱۸ سال ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی قابل استناد است، این ماده هماهنگ با ماده یک کنوانسیون حقوق کودک است که سن مسؤولیت کیفری در جرائم مستوجب اعدام را هجده سال بیان نموده است: مطابق این کنوانسیون، کودک انسانی است که هجده سالگی را تمام نکرده است، مگر آنکه سن بلوغ در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد. بر اساس بند ۳ از ماده چهل این کنوانسیون کشورهای عضو باید تلاش کنند تا سن مشخصی را به عنوان سن مسؤولیت کیفری تعیین نمایند. ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی چهار قید را برای معافیت از مجازات‌های حد یا قصاص ذکر کرده است: اولاً مرتکب جرم در حین ارتکاب جرم بالغ باشد؛ ثانیاً لازم است شخص مرتکب جرمی شود که مجازات آن حد و قصاص باشد؛ ثالثاً سن مرتکب در لحظه وقوع جرم کم‌تر از هجده سال تمام شمسی باشد؛ رابعاً در رشد و کمال عقل مرتکب جرم موجب حد یا قصاص شبهه باشد یا وی حرمت و ماهیت جرم موجب حد یا قصاص را درک نکنند، در این صورت صرفاً قصاص و حد نفی می‌گردد، این مرتکبین به تصریح متن ماده مزبور به مجازات دیگری محکوم می‌گردند که در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی آمده است، البته اصل بر این است که این افراد به درک و کمال عقل نرسیده‌اند، چراکه قبل از رسیدن به این سن مذکور در قانون فوق‌الذکر طفل بودند و اطفال از درک و کمال عقل

برخوردار نیستند، لذا تا اثبات آن اصل استصحاب بر عدم درک و کمال عقل است. بر این اساس در صورت ارتکاب جرائم موجب حد و قصاص مستحق این مجازات‌ها نمی‌باشند، مگر آنکه درک و رشد و کمال عقل بالغ زیر ۱۸ سال به طریق مقتضی ثابت گردد، در این حالت این افراد علی‌رغم این که کم‌تر از ۱۸ سال دارند، در صورت ارتکاب جرائم موجب حد اعدام یا قصاص نفس محکوم به آن‌ها خواهند شد و حکم در مورد آن‌ها به اجرا درخواهد آمد که به وضوح برخلاف مفاد مقرر مذکور در ماده یک کنوانسیون حمایت از حقوق کودکان است.

در ماده فوق‌الاشعار تصریح شده است که بالغین زیر ۱۸ سال شمسی در صورت ارتکاب جرائم موجب حد یا قصاص به لحاظ نداشتن درک و کمال عقل به مجازات مذکور در این فصل، یعنی فصل دهم این قانون که در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ذکر شده است، محکوم می‌شوند، از طرفی دیگر با استناد به ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی در جرائم موجب حد، قصاص و تعزیر مجازات فرع بر مسؤولیت کیفری و مسؤولیت کیفری فرع بر عاقل بودن است، چون معتوه عاقل نیست، پس فاقد مسؤولیت کیفری است و نباید مجازات شود، در حالی که در ماده ۹۱ قانون مزبور به مجازات کردن وی، هر چند مجازات نقصان یافته، اشاره شده است، این تعارض را یا باید یک حکم استثنایی دانست یا این که شایسته بود قانونگذار از اصطلاح مجازات در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی برای این اشخاص استفاده نمی‌کرد که ممکن است این اشخاص بالغین زیر ۱۸ سال باشند یا کسانی بالای ۱۸ سال باشند که مبتلا به عوارض مذکور در ماده فوق‌الذکر گردیده‌اند، به بیان دیگر منطقاً می‌بایست ضمانت اجراها در خصوص این افراد مجازات نباشد، بلکه اقدامات تأمینی و تربیتی باشد.

در قانون مجازات اسلامی راجع به معتوه بالاتر از ۱۸ سال چنانچه مرتکب جرم موجب حد یا قصاص شود، حکم خاصی نیست. ممکن است به نظر آید که در خصوص این افراد که مرتکب این نوع جرائم می‌شوند، عدم درک ماهیت یا حرمت جرم یا شبهه در رشد و کمال عقل آن‌ها در مسؤولیت کیفری و استحقاق آن‌ها به مجازات مؤثر نیست، در حالی که بر اساس ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی حکم به قصاص یا حد متوقف بر عاقل بودن مرتکب در زمان ارتکاب جرم است، لذا نباید این افراد را مستحق این مجازات‌ها دانست. در مقابل ممکن است این نظر هم مطرح شود که این افراد به سبب نداشتن عقل همچون مجانین هستند (برخورد با آن‌ها باید در حد اقدام تأمینی مذکور در ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی باشد) که با منطق حقوقی دور از

نظر قانونگذار است، زیرا وقتی که معتوه بالغ زیر سن ۱۸ سال به مجازات مذکور در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی محکوم می‌گردد، به طریق اولی معتوه بالای سن ۱۸ سال هم مشمول همین حکم است. در واقع در این خصوص تقسیم افرادی که ماهیت یا حرمت جرم را درک نمی‌کنند و در رشد و کمال عقل آن‌ها شبهه وجود دارد، به معتوه زیر ۱۸ سال و معتوه بالای سن ۱۸ سال توجیه منطقی وجود ندارد، یعنی آنچه خصوصیت دارد همین خصوصیات عقلی مرتکب جرم است و پس از رسیدن به بلوغ، سن زیر ۱۸ سال خصوصیتی ندارد؛ به بیان صریح‌تر ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی نه فقط به صراحت این ماده شامل نوجوان بالغی مثل دختر ده ساله‌ای می‌گردد که به سبب سن کم ممکن است فاقد کمال عقل باشد، بلکه هم شامل بالغین بالای ۱۸ سال می‌گردد که به سبب هرگونه نقیصه عقلی توانایی درک حرمت و ماهیت رفتار مجرمانه را نداشته یا به رشد و کمال عقل نرسیده باشند. در انتهای این بحث شایسته توجه است که با لحاظ قاعده التعزیر بما یراه الحاكم (۳۴) و تفرید مجازات‌ها (۳۵) در بیان عدالت قضایی، در صورتی که بالغ معتوه اعم از زیر یا بالای ۱۸ سال چون در فرایند تکامل قوای عقلی در حد عقل طفل متوقف شده است، باید به همان ضمانت اجرایی محکوم گردد که یک طفل محکوم می‌شود.

#### مسئولیت معتوه در جرائم موجب دیه

معتوه نیز ممکن است مثل دیگر انسان‌ها مرتکب جنایت، یعنی صدمه بر بدن شود، از آنجا که قانون مجازات اسلامی راجع به پرداخت دیه ناشی از جنایت ارتكابی معتوه ساکت است، باید در راستای اصل ۱۶۷ قانون اساسی ایران قاضی به منابع فقهی مراجعه و حکم قضیه را معین نماید. در روایات متعددی که از معصومین (ع) نقل شده است جنایات عمد و غیر عمد معتوه خطای محض و پرداخت دیه بر عهده عاقله قرار داده شده است. راجع به این مورد در روایتی که از محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل شده چنین آمده است: حضرت علی (ع) جنایات شخص معتوه را چه عمد و چه خطا یکسان شمرده و دیه آن را بر عهده عاقله قرار دادند، حضرت فرمودند که مجنون و معتوه تا زمانی که به افاقه نرسیده باشند و کودک تا زمانی که بالغ نشده است، عمد آن‌ها خطا تلقی می‌گردد و دیه آن‌ها بر عهده عاقله است (۳۶)، در این روایت سبب تشابه حکم جنایت معتوه با جنایت کودک نقصان در عقل آنان است، از این حیث

معتوه ملحق به کودک شده است، لذا فقهای اسلامی بر این نظر هستند که جنایات معتوه و مجنون و صغیر یک حکم دارد (۳۷). حسب ماده ۴۶۷ قانون مجازات اسلامی در صورتی که نوع جنایت کم‌تر از موضحه باشد، اگر مرتکب مجنون باشد، عاقله وی ضامن نیست، بلکه خود مجنون ضامن است، بر این اساس از آنجا که معتوه از درک و تمیز بیشتری نسبت به مجنون برخوردار است، به طریق اولی باید قائل بر این شد که اگر جنایت معتوه بر دیگری کم‌تر از موضحه باشد معتوه نیز همچون مجنون از اموال خود ضامن پرداخت دیه است که اصل اینچنین است به این که هر شخصی مسؤول رفتار خویش است، لیکن این بحث غیر از خسارات است (صدمه بر بدن نباشد) که برابر اصل عمل می‌شود. قانون جنایی مصر همچون قانون مجازات ایران نسبت به موضوع جنایت ارتكابی معتوه و مسؤولیت وی ساکت است، از آنجا که حقوق مصر مبتنی بر فقه شافعی است لزوماً ناگفته‌های حقوقی قانونگذار را باید در فقه شافعی جستجو کرد. در فقه شافعی به عارضه روانی عاهات عقلی و به طور خاص معتوه اشاره شده است (۳۹-۳۸)، لذا حقوقدانان این کشور بر این نظر هستند که جنایات ناشی از این اشخاص که دچار عارضه عاهات عقلی هستند، به هر میزان که باشد بر عهده عاقله آنهاست (۱۱)، این نظر تا حدودی موافق با فقه شیعه، ولی اطلاق آن خلاف اصل و نظر فقهای شیعه است.

### مسؤولیت معتوه در جرائم موجب تعزیر

مستند به ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی تعزیر مجازاتی است که به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی و یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اجرا می‌شود. بر اساس ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی سن مسؤولیت اشخاص در صورت ارتکاب جرائم تعزیری بعد از ۹ سال شمسی است، مفهوم مخالف آن این است که اگر اشخاص زیر ۹ سال شمسی حتی اگر بالغ هم باشند جرم تعزیری مرتکب شوند مطابق با این قانون هیچ مسؤولیتی اعم از کیفری یا تأمینی و تربیتی ندارند، صرفاً بعد از سن مزبور است که در صورت ارتکاب جرم تعزیری به اقدامات تأمینی و تربیتی یا مجازات محکوم می‌شوند. با این توصیف به طریق اولی بالغ معتوه زیر ۹ سال اعم از این که به طور طبیعی زودتر از موعد قانونی به بلوغ رسیده یا با مصرف دارویی زودرس بالغ شده باشد، در صورت ارتکاب جرم تعزیری هیچ مسؤولیتی نخواهد داشت، ولی در خصوص مسؤولیت بالغ معتوه بالای ۹ سال در صورت ارتکاب جرم تعزیری در حقوق کیفری



بحث است. شخص معتوه که بین ۹ تا ۱۵ سال سن داشته باشد و مرتکب جرم تعزیری گردد، با توجه به این که به طور کلی برای هر سنی در فواصل فوق در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی حکم معینی در قانون است، بحث قابل توجهی نیست، چراکه مستند به این ماده علی‌الاطلاق اشخاص زیر ۱۵ سال به مجازات محکوم نمی‌شوند، بلکه به اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در این ماده محکوم خواهند شد که با تصمیم قاضی می‌تواند شامل معتوه مرتکب جرم تعزیری نیز شود. به عبارت صریح‌تر در این خصوص، یعنی اشخاص زیر ۱۵ سال که مرتکب جرم تعزیری شوند، مستحق اقدامات تأمینی و تربیتی می‌گردند، تفاوتی بین بالغ معتوه با بالغ عاقل نیست. قانونگذار برای بالغین عاقل بین ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند، به سبب مجازاتی که در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته است، مسئولیت و مجازات کیفری نقصان‌یافته در نظر گرفته است. حال اگر معتوه بین ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی مرتکب جرم تعزیری شود، مسئولیت او نقصان یافته و ضمانت اجرای کیفری او نمی‌تواند بیش از مجازات‌های مندرج در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی باشد و چه بسا لازم است که ضمانت اجرای جرم تعزیری ارتكابی معتوه در این سنین کم‌تر از این مجازات‌ها در نظر گرفته شود، چراکه معتوه درکی همانند عاقل از حرمت یا ماهیت جرم ارتكابی ندارد و در رشد و کمال عقل وی شبهه وجود دارد. در این خصوص قاضی لازم است در برخورد با معتوه مجرم به سن عقلی وی توجه کند. بنابراین می‌توان گفت محکوم‌نمودن معتوه ۱۶ ساله‌ای که سن عقلی وی در حد یک کودک ده ساله است، به مجازات‌های مذکور در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی مناسب سن عقلی وی نیست و شایسته است قاضی با لحاظ ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، یعنی توجه به حالات و وضعیت ذهنی و روانی مرتکب از بین انواع این واکنش‌های تأمینی و تربیتی که در قانون یادشده اقدام متناسب با سن عقلی مرتکب را اتخاذ کند.

در خصوص معتوه بالاتر از ۱۸ سال شمسی تمام که مرتکب جرم تعزیری شود، هرچند هیچ مقرره یا حکم صریحی در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد، لیکن با لحاظ مفهوم مخالف ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی که در اشخاص بالای ۱۸ سال هم امکان نقصان عقل وجود دارد که در این صورت، یعنی با احراز آن امکان رهایی از مجازات اصلی وجود دارد (۴۰) و با توجه به این که مجازات‌های حد و قصاص که دارای اهمیت بیشتری نسبت به تعزیرات هستند، به سبب نقیصه عقلی این مجازات‌ها ساقط و به مجازات تعزیری مذکور در ماده ۸۹ قانون مجازات

اسلامی محکوم می‌گردند، به طریق اولی در ارتکاب جرائم تعزیری که عموماً از حیث قباحت رفتار کم‌تر از جرائم موجب حد یا قصاص است، مجازات‌های تعزیری مذکور در قانون نیز باید به سبب نقصان عقل به مجازات سبک‌تر، یعنی حداکثر به مجازات‌های مذکور در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی تبدیل گردند، بلکه باید گفت با لحاظ ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی که قاضی را ملزم به لحاظ وضعیت ذهنی و روانی مرتکب جرم در تعیین مجازات تعزیری می‌کند، واکنش کیفری خفیف‌تر، یعنی اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی تعیین شود که تماماً به وضعیت عقلی معتوه متناظر با عقل طفل و نظر قاضی بستگی دارد، چراکه معتوه عاقل نیست تا مستند به ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری داشته و مجازات شود.

در پرونده کلاسه ۹۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۴۲ در دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان اقلید استان فارس فردی به نام ی.ل. ۳۴ ساله به اتهام ایراد جرح عمدی با چاقو و تخریب تحت تعقیب قرار می‌گیرد. متهم که دارای سوابق متعدد کیفری است، در دفاع از خود ضمن انکار اتهام با کلامی مشوش اقدام به شرح نحوه وقوع جرم می‌کند. بستگان وی بیان می‌دارند که وی دارای معلولیت شدید ذهنی و محجور است و حکم حجر و کارت معلولیت ذهنی وی از بهزیستی و همچنین معاینات سابق پزشکی قانونی از وی و سوابق بستری‌شدن وی در بیمارستان اعصاب و روان شیراز را ارائه می‌دهند. با معرفی وی به پزشکی قانونی چنین به دادسرا گزارش می‌شود که: «... متهم دارای اختلال شدید روانی است و حضور وی در جامعه می‌تواند خطرناک باشد، لیکن به کلی فاقد اراده و تمیز نمی‌باشد.» پس از ارسال پرونده به دادگاه کیفری دو با قرار جلب به دادرسی دادگاه با این استدلال که متهم به اختلال تام روانی دچار نیست، وی را به حبس محکوم می‌کند. در نقد این رأی باید گفت آنچه مسلم است این است که متهم از قوه تشخیص و تمیز معمول برخوردار نبوده و فاقد رشد و کمال عقل است و نگهداری وی در زندان به همراه سایر محکومین تأمین‌کننده اهداف کیفر نخواهد بود، لذا استدلال صورت گرفته قابل خدشه است.

در نظام جزایی مصر اشخاص به سبب ارتکاب جرم یا مسئولیت کامل کیفری دارند یا فاقد مسئولیت کیفری محسوب می‌شوند. از این رو مسئولیت کیفری مخففه و یا نقصان یافته برای اشخاصی که دچار جنون یا عاهات عقلی هستند، مورد توجه نیست، زیرا این نوع مسئولیت در

قانون این کشور به رسمیت شناخته نشده است. در این خصوص مطابق با ماده ۶۲ قانون عقوبات مسؤولیت کیفری این اشخاص منتفی است (۴۱)، این نظر فازی در مورد اشخاص ناقص‌العقل که نه عاقل هستند نه مجنون، قابل انتقاد است، برخی از شارحین قانون مجازات مصر بر این نظرند که احکام کیفری و مدنی معتوه ملحق به احکام اطفال است (۴۲)، چراکه هر دوی آن‌ها در رشد عقل ناقص هستند، لذا در صورتی که قدرت تشخیص و تدبیر معتوه همچون طفل باشد همان احکام بر وی جاری می‌گردد، در غیر این صورت وی دارای مسؤولیت کیفری خواهد بود. برخی دیگر نیز آن را از موجبات تخفیف مجازات ذکر کرده‌اند، البته در صورتی که شدت عته به گونه‌ای باشد که فرد فاقد اراده و اختیار تلقی گردد، معتوه از هر ضمانت اجرایی معاف است (۱۷)، در حالی که در حقوق ایران مستفاد از مواد قانونی اگر معتوه خصوصیات مجنون و در حکم وی نباشد، علی‌الاطلاق معتوه بالغ بالای ۱۵ سال که مرتکب جرم تعزیری می‌گردد، همانند افراد عاقل مسؤولیت و مجازات نقصان‌یافته مذکور در ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی را خواهند داشت که در واقع ماهیتاً اقدامات تأمینی و تربیتی است و معتوه زیر ۱۵ سال در صورت ارتکاب جرم تعزیری صراحتاً اقدامات تأمینی و تربیتی مذکور در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی در مورد آنان اعمال می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

جرم به انسان منتسب است. در حقوق کیفری ایران انسان‌ها فقط به عاقل یا مجنون تقسیم نمی‌شوند، بلکه اشخاصی دیگری هم هستند که از یک طرف در تعریف مجنون موضوع ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی، یعنی دارای اختلال روانی منجر به نداشتن قوه تمییز یا اراده نیستند و از طرف دیگر واقعاً عاقل هم نیستند تا بتوانند متحمل مسؤولیت کیفری و مجازات خاص آن جرم شوند، این اشخاص که سن عقلی آن‌ها عرفاً بسیار کم‌تر از سن جسمی آنان و بلکه در حد اطفال است در فقه اسلامی معتوه نامیده شده‌اند، این عارضه سوءروانی متأثر از اختلال روانی و نقصان عقل می‌باشد. تاکنون در قوانین کیفری ایران به این اصطلاح اشاره نشده است، لیکن عباراتی همچون اختلال دماغی مذکور در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، اختلال روانی نسبی در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ و جنون به هر درجه در قوانین مجازات اسلامی ۱۳۷۰ می‌توانست نظر به آن‌ها هم داشته باشد که به همین خاطر حکم خاصی

مستقل از حکم جنون برای آنها در نظر گرفته نشده بود. در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای اولین بار به مفاهیم متعدد نقصان عقل، نداشتن درک حرمت یا ماهیت رفتار و وجود شبهه در رشد و کمال عقل توجه شده است که می‌تواند همان مفهوم عته باشد، هر چند تعیین دقیق موارد معتوه با دشواری و اختلاف همراه است. مبتلایان به بیماری‌های روانی از جمله عقب‌ماندگی ذهنی، منگی یا دلیریوم و دمانس یا پیری عقل و یا هر عارضه روانی دیگر که عرفاً بر نقصان عقل دلالت کند، معتوه محسوب می‌شوند.

در صورتی که بالغ معتوه بین سنین ۱۵ سال تا ۱۸ سال شمسی مرتکب جرائم مشمول حد یا قصاص گردد از آنجا که وفق اطلاق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مجازات حد یا قصاص از وی ساقط و به مجازات‌های مندرج در ماده ۸۹ این قانون محکوم می‌گردند، از حیث استفاده از اصطلاح مجازات برای این اشخاص محل نقد است، چراکه مجازات فرع بر مسؤولیت کیفری است و با توجه به ماده ۱۴۰ قانون مزبور که شرط مسؤولیت کیفری را عقل بیان کرده است معتوه به واسطه عاقل نبودن، یعنی نقصان عقل نباید واجد مسؤولیت کیفری و مستحق مجازات باشد و اساساً به همین خاطر، یعنی نقصان عقل در درک حرمت یا رفتارهای مجرمانه یا وجود شبهه در رشد و کمال عقل، محکوم کردن وی به مجازات مخالف با نص ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی است که شرط مجازات را مسؤولیت کیفری و شرط مسؤولیت کیفری را عقل دانسته است، لیکن با توجه به این که این افراد به طور نسبی از درک و قوه تمییز برخوردارند نباید بدون هیچ واکنشی به حال خود رها گردند، بلکه به جهت آموزش‌پذیری‌شان و امکان آموزش و تغییر رفتار باید برای اصلاح آنان از اقدامات تأمینی و تربیتی استفاده کرد.

در صورت ارتکاب جرائم تعزیری توسط معتوه بالای ۱۸ سال با توجه به این که مجازات‌ها بر افراد بالغ عاقل تحمیل می‌شود، نگاه اول اینست که صرفاً نوع مجازات معتوه باید به مراتب خفیف‌تر از سایرین باشد که با لحاظ وضعیت ذهنی و روانی مرتکب مذکور در ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی برای تعیین مجازات متناسب، قابل توجیه قانونی و به نظر قاضی است، ولی به استناد ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی این افراد به واسطه عاقل نبودن نه فقط نباید به مجازات‌های حد یا قصاص محکوم شوند، بلکه به مجازات‌های تعزیری هم نباید محکوم گردند، در این صورت به جهت اصلاح‌پذیری باید به اقدامات تأمینی و تربیتی متوسل شد. در فقه

اسلامی مسؤولیت هر نوع جنایت معتوه اعم از عمد یا غیر آن موجب پرداخت دیه که به استثنای جنایات کم‌تر از موضحه به عهده عاقله است که به سبب عاقل نبودن معتوه می‌باشد. در قانون عقوبات مصر همچون قانون مجازات اسلامی ایران صراحتاً به معتوه اشاره نشده است، لذا اگر آن‌ها مرتکب جرم شوند، چون در ماده ۶۲ این قانون به حالات روانی عاهاات عقلی تصریح شده که می‌تواند بر بیماری‌های روانی متعددی مثل صرع یا عته نیز اشاره داشته باشد، حکم جنون را دارند، لذا از این جهت که در حقوق مصر اساساً مسؤولیت تدریجی و یا نقصان یافته مورد پذیرش قرار نگرفته است، محل نقد است، به خاطر این‌که در قانون مدنی مصر به معتوه اشاره شده و در امور مدنی برای وی حکم صغیر را در نظر گرفته است، به دست می‌آید که می‌توان در صورتی که معتوه مرتکب جرم شود، از منظر حقوق کیفری نیز حکم مسؤولیت صغیر را برای وی در نظر گرفت.

**References**

1. Farahidi KH. Al-Ain. Qom: Daro al-Hejreh Institute; 1343. Vol.1 p.114. [Arabic]
2. Al-Tarihi Al-Najafi F. Majma ol Bahrain. Tehran: Al-Mortazavie Publication; 1375. Vol.3 p.119.
3. Haeri K. Judgement in Islamic jurisprudence. Qom: Majma Al-Fekr Al-Islami; 1415. p.239.
4. Kashf Al-Qeta J. Kashfol Qetta an Mobhamat shariat el ghora. Isfahan: Mahdavi Publication; 1405. p.431.
5. Dekhoda A. Dictionary Farsi. Tehran: Tehran University Publication; 1373. p.475.
6. Amid H. Dictionary Farsi. Tehran: Rahe Roshd Publication; 1389. Vol.1 p.957.
7. Hamiri N. Shams Ol-Olum. Damascus: Darol Fekr Publication; 1999. Vol.2 p.119.
8. Razi M. Mokhtar al-Sehah. Brirut: Maktab ol Asrie Publication; 1999. p.650.
9. Saeed M. General provisions of the Penal Code. Beirut: Halabi Publication; 1962. p.598.
10. Al-Zolma M. Obstacles of Criminal liability in Islamic Shari'a and Arabic Legislations. Tehran: Ehsan Publication; 2014. p.58.
11. Oudeh A. Islamic criminal legislation compared to positive law. Beirut: Daro al-Kateb Publication; 2010. Vol.2 p.470.
12. Al-Auji M. Criminal liability. Beirut: Nofel Publication; 1992. p.261.
13. Al-Jazayeri M. Hoda al-Taleb ela Sharhel Makaseb. Tehran: Ghalam Publication; 1405. Vol.4 p.327.
14. Kolaini Y. Osul-e Kafi. Tehran: Dar al-Ketab al-Islami; 1379. Vol.6 p.125.
15. Bahrani Y. Al-Hadaegh al-Nazerah fi Ahkame al-Etrate al-Tahere. Qom: Nashr al-Islami Publication; 1405. p.158.
16. Al-Zahili V. Islamic jurisprudence and evidence. Damascus: Darol Fekr Publication; 1985. Vol.5 p.438.

17. Mahmood E. Explanation of general provisions in the Penal Code. Cairo: Darol Fekr Publication; 1979. p.519.
18. Lafi J. Psychological illness in raising the criminal responsibility in Islamic jurisprudence. Qazza: Qeza University; 2009. p.74.
19. Foozi A. Avarez al-Ahliee. Cairo: Palestine University; 2012. p.56.
20. Salva M. The system of sailing on the loss of eligibility. Cairo: Daro al-Nehza al-Arabi Publication; 2010. p.132.
21. Najib Hosni M. Abnormal criminals. Cairo. Daro al-Nehza al-Arabi Publication; 1964. p.40.
22. Susan C. Classification and diagnosis of psychological abnormality. Translated by Khodayari Fard M. Tehran: Tehran University Publication; 2010. p.132.
23. Akhavi Rad B. Mental retardation. Tehran: Samt Publication; 1391. p.62.
24. Hasan Poor H, Ghofrani M. An overview of mental retardation and italogical examination in children aged 4 to 15 years. Journal of Iranian University of Medical Sciences 1379; 7(21): 67.
25. Shamloo S. Psychopathology. Tehran: Roshd Publication; 1375. p.304.
26. Nabi Poor M. Criminal liability terms in the bill of the Islamic Penal Code. Journal of Taalee Hoquq 1389; 127(7): 134.
27. Azarbadegan H. Classification of mental patients and their rulings from the viewpoint of the scholar Naraghi. Journal of New Research in Jurisprudence 1380; (29)p 32
28. Ahangar A, Jaffar Zade M. Exploring the use of lexical relations tools Alzheimer's and Norwegian seniors' vocabulary. Journal of Principles of Mental Health 1394; 9(18): 8-18.
29. Jannati Y, Sohrabi M, Bagheri M. Delirium and its diagnostic tools: New approach to nursing. Journal of Clinical Excellence 1392; 1(2): 86-96.
30. Sadock B, Sadock V. Summary of psychiatry. Translated by Rezaee F. Tehran: Arjmand Publication; 2015. p.417.
31. Hosaini F, Shajari A, Hosaini B. Evaluation of relative frequency of delirium in different parts of Yazd Shohada Hospital. Journal of Shahid Sadoughi University 2016; 24(8): 640-648.

32. Rohani M. Feq al-Sadegh. Qom: Manshorat Ejtehad Publication; No Data. Vol.26 p.56.
33. Jabaee A. Al-Rozato al Bahiee fi Sharhe al-Lomate al-Dameshghie. Qom: Davari Publication; 1343. Vol.5 p.161.
34. Mohaqeq Damad M. The rules of jurisprudence. Tehran: Islamic Science Publishing Center; 1383. Vol.4 p.126.
35. Yazdian Jafari J. The principle of individualizing punishments. Juornal of Islamic Law 1385; 3(11): 56.
36. Ebne Babuye M. Man La Yahzerho al Faghih. Qom: Jameato al-Modaresin Publication; 1404. Vol.3 p.233.
37. Tabrizi J. Al-Qesas. Qom: Al-Sedigha al-Shahide Publication; 1387. p.154.
38. Al-Siuti M. Javaher al-Oqud. Beirut: Dar al-Kotob al-Elmee; 1996. p.135.
39. Dobyen ebne Dobyen D. Financial transactions. Riyadh: Maktab al-Molk Publication; 1342. Vol.1 p.539.
40. Sadeqi M. Crimes against individuals. Tehran: Mizan Publication: 1393. p.287.
41. Najib Hosni M. Explanation of the Penal Code of Lebanon.Beirut. Dar ol-Nehza al-Arbi; 1988. p.44.
42. Abdolsattar F. Explanation of the Penal Code. Cairo: Dar ol-Nehza al-Arbi; 1987. p.311.